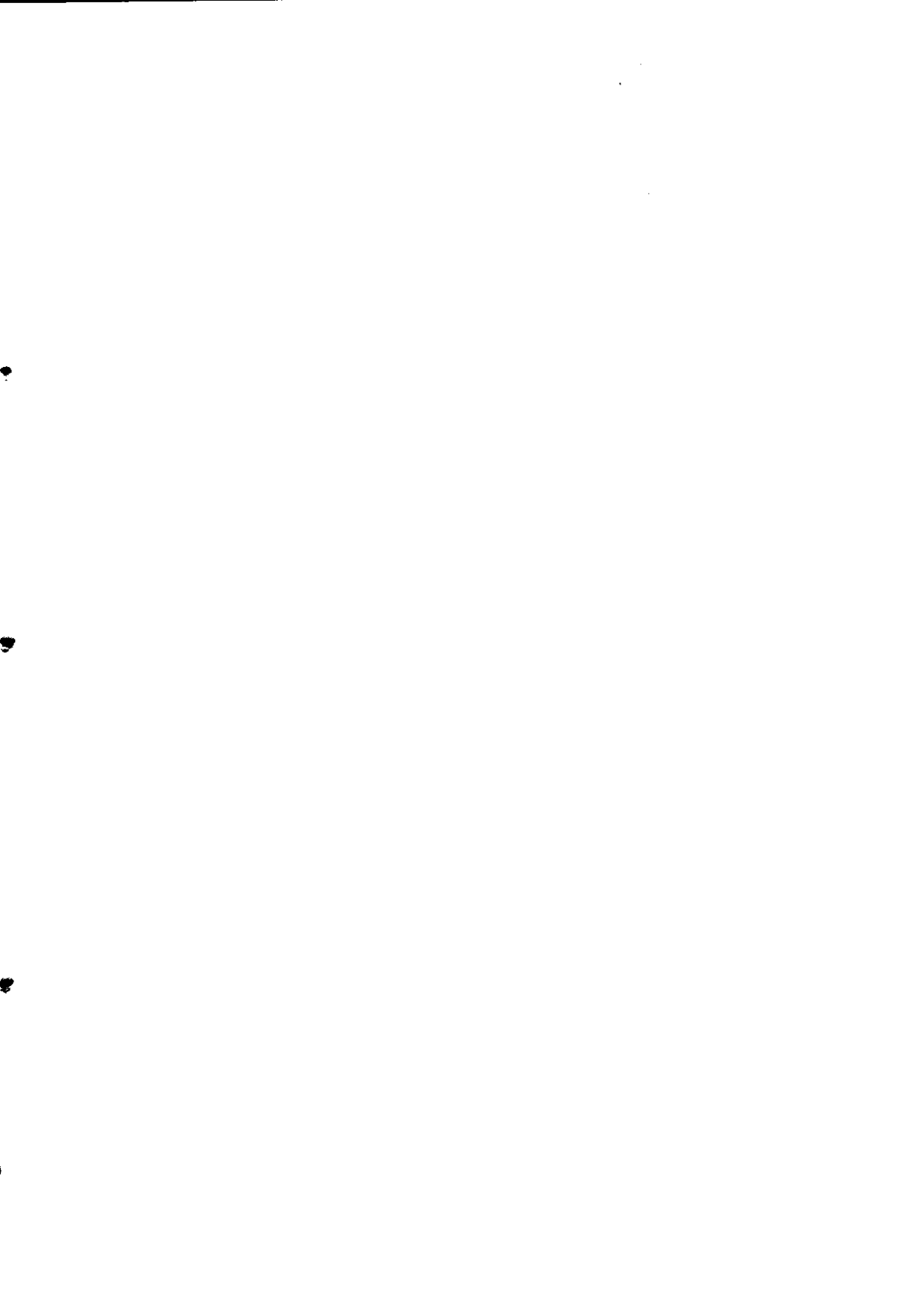


# تأثیر عامل تبعیض در یوگسلاوی سابق

از دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی



## تأثیر عامل تبعیض در یوگسلاوی سابق

جماهیرمتحدہ یوگسلاوی سابق کہ امروزہ شاهد تلاشی آن هستیم از جمہوریہای زیر تشکیل شد بود:

۱ - صربستان (صربیه)

۲ - کرواتیہ

۳ - اسلوونیہ

۴ - بوسنی ہرزگوین

۵ - مونته نگرو

۶ - مقدونیہ

علاوہ بر بہ اصطلاح جمہوریہای فوق، دو منطقہ خود گردان یا خود مختار ہم در یوگسلاوی وجود داشت یکی منطقہ خود مختار و یوودین (Voivodine) و دیگری منطقہ خود مختار کوزوو بودہ است. این دو منطقہ بہ ترتیب در جنوب و شمال صربستان قرار دارند.

یوگسلاوی سابق بہ کشورهای ایتالیا، اطریش، مجارستان، رومانی، یونان، بلغارستان و آلبانی محدود می شد. جمعیت این کشور در سال ۱۹۸۱ بالغ بر ۲۲۴۲۵ ہزار نفر بودہ و شہرہای عمدہ، آن کشور شامل بلگراد سابق (مرکز یوگسلاوی) و صربستان امروزہ، زاگرب مرکز کروواسی، سارایوو مرکز بوسنی ہرزگوین، اسکوپیہ مرکز مقدونیہ بود.

بعد از تجزیہ یوگسلاوی، دو جمہوری کرووات و اسلوونیہ، جمہوری جدید کروواسی را تشکیل دادند. جمہوری دیگر آن بوسنی ہرزگوین بودہ کہ ہستہ اصلی مناقشات فعلی در آنجا قرار گرفتہ و ہمہ روزہ اخبار ناگواری از رفتار غیر انسانی صربہا بہ مسلمانان آن منتشر می گردد. جمہوری صربستان کہ ظاہراً از اتحاد صربستان و منطقہ خود مختار و یوودین تشکیل شدہ است و وضعیت سایر مناطق آن یعنی مقدونیہ، مونته نگرو و کوزوو هنوز در حالہای از ابہام قرار دارد. و نمی توان گفت کہ سرنوشت این مناطق چگونه خواهد بود. مخصوصاً منطقہ کوزوو کہ ساکنین آن غالباً

مسلمان و آلبانیایی نبارند و در جوار کشور آلبانی نیز قرار دارند و بعضاً از اتحاد آن با دو جمهوری دیگر مقدونیه و مونته نگرو نیز گفتگو می‌شود. بمسطور روشن شدن موقعیت جغرافیایی هر یک از مناطق یاد شده، نقشه سیاسی یوگسلاوی سابق ذیلاً آورده شده است.



یوگسلاوی تحت حکومت طولانی مدت مارشال تیتو با ایدئولوژی سوسیالیستی اداره شد و فراتر از این در تلاش برای ایجاد موازنه سیاسی بین دو قطب قدرت جهان به همراه ناصر، نهرو، سوکارنو موفق شد نهضت عدم تعهد را پایه گذاری نماید.

با مرگ تیتو و بروز شرایط جدید جهانی جماهیر متحده یوگسلاوی در مدتی کوتاه متلاشی شد و کشورهای جدیدی بجای آن متولد شدند. تردیدی نیست که فشارهای سیاسی برون مرزی در بروز این پدیده مؤثر بوده‌اند و نمونه بارز دخالت دیگران در سرنوشت ساکنین یوگسلاوی سابق را می‌توان امروزه در وضعیت بوسنی و هرزگوین و تقسیماتی که برای آن منظور شده است بوضوح دریافت و شاید ناخوشایندتر این باشد که چنین سرنوشتی احتمالاً در انتظار برخی از کشورهای دیگر بویژه کشورهای جهان سوم باشد و انسانهایی که امروزه در این مجامع بعنوان هموطن با یکدیگر زندگی و

تلاش می‌کنند فردا چنان اسیر مداخلات اجانب گردند که همه آن شعارها و تلاشهای دوستانه، بردرانه، هم‌میهنانه و مترقیانه!! و غیر اینها جای خود را به دشمنی‌های هولناک، بی‌رحم و ویرانگر داده و دستهایی که روزی برای ابراز محبت، با سرعت و قدرت هم‌دیگر را می‌فشرند بهمان سرعت یا حتی سریعتر فضا را فشرده و یکدیگر را آماج اصلی انواع عداوتها قرار دهند.

اما یک واقعیت قابل انکار نیست و آن اینکه این مداخله‌گران خارجی تنها با انجام تبلیغات سیاسی نمی‌توانند مردم را، به اشتیاق مدینه فاضله، نوع غربی آن، قاصد جان یکدیگر سازند، بلکه از قبل زمینه‌های دشمنی و اختلاف ایجاد شده و مدتها بصورت آتش زیر خاکستر باقی مانده و بعد هم با وزش اولین باد شعلهور گردیده است. عبارت دیگر مسائل و مشکلاتی وجود داشته که مدتها بدان توجه نشده است و یا اگر هم توجه شده در اولویت نبوده و هرگز هم بهای لازم را بدان ندادند تا کار از مرحله حل مسالمت‌آمیز گذشته و بجای موافقت در حل مشکلات به موافقت در مخالفت رسیده‌اند و ناگزیر در اولین فرصت تمام همت و توان و هستی گروههای مختلف صرف نابودی یکدیگر شده است و بنیادیان شعار انسانیت و اخوت دیروز به دشمنان قسم خورده امروز تبدیل شده‌اند.

حال اگر چنین تصور شود که مسئولین دیروز یوگسلاوی از ریشه‌های تبعیضات و تفاوتها بی‌خبر بوده‌اند یا اگر هم مطلع بوده‌اند قادر به ارزیابی ابعاد و اهمیت آن نبوده‌اند، تصویری است باطل و ناراسا و دور از واقعیت، به همین دلیل در نوشتار زیر خواهیم دید که هم آگاه بوده‌اند و هم ارزیابی کرده بودند کسی چه می‌داند شاید هم تحلیل‌گران یوگسلاوی از آزادی بیان کافی برخوردار نبوده‌اند. اما بلا شک زورمداران جز منطق چماق منطقی نمی‌شناسند و گوششان نیز با سخن معقول ناآشناست.

در مقاله زیر که متکی به تحقیقات انجام شده در یوگسلاوی است ابعادی از وجود تبعیض در یوگسلاوی آنهم تنها در زمینه‌های که با موضوع فصلنامه مربوط است. مطرح می‌شود تا فاصله و شکاف عمیق بین شعار و عمل نشان داده شود و تأملی باشد بروضعیتهای مشابه در سایر جوامع.

در این گزارش تفاوت سطح مرگ و میر زنان در یوگسلاوی و توجهات مسئولان و محققان آن در توجیه این تفاوتها مطرح می‌شود. صاحب‌نظران این رشته می‌دانند که تفاوت امید زندگی یا سطح مرگ و میر بین دو گروه از جمعیت ناشی از تأثیر عوامل متعددی است که یکی از آنها بهداشت و درمان است. تأثیر سایر عوامل چون درآمد سرانه نوع شغل، شرایط کار، بهداشت اجتماعی، رعایت حقوق مردم، میزان برخورداری از رفاه اجتماعی، تأمین جانی و مالی و امثال اینها نیز در این تفاوت و تغییرات آن مؤثرند.

همچنین می‌دانیم که وضع تغییرات مرگ و میر چگونه است. در اکثر جوامع سستی امید زندگی زن و مرد یا متوسط طول عمر احتمالی آنها بهم نزدیک بوده و اندکی بسود مردان است، با بهبود شرایط زندگی، متوسط طول عمر نیز افزایش می‌یابد و اگر امید زندگی بحدود شصت سال رسید تقریباً متوسط طول عمر زن و مرد یکسان می‌شود و چنانچه باز هم بهبودی در سطح زندگی ایجاد شود، میزان برخورداری زنان از امکانات زندگی افزایش می‌یابد. در نتیجه افزایش متوسط طول عمر زنان اندکی سریعتر از مردان خواهد بود. اطباء عموماً امتیاز بیولوژیکی خفیفی برای زنها قائلند و

آنها را در برابر بیماریها و مرگ مقاوم‌تر از مردان می‌دانند. این برتری بیولوژیکی، در اثر زایمانهای مکرر و خطرات ناشی از آن و پایین بودن سطح زندگی که فشار بیشتری را متوجه زنان می‌سازد خنثی می‌گردد سایر عوامل خنثی کننده امتیاز مذکور در عرف بعضی از جمعیت شناسان با مفهوم تفاوت شرایط زندگی زن و مرد تحت تأثیر بعضی از فرهنگها تعبیر می‌شود مثلاً بالا بودن میزان مرگ و میر مردان (در مقایسه با زنان) در جوامعی چون: آلمان، فرانسه، ژاپن و ایالات متحده و امثال این کشورها به تأثیر عواملی چون اعتیاد به مواد مخدر و الکلیسم و اشکال دیگر مصرف و حتی خطر جویب بیشتر مردان نسبت داده می‌شود. گروهی از جمعیت شناسان معتقدند که در اروپای قدیم، هندوستان، چین و شمال آفریقا نیز وضع به ترتیبی که قبلاً گفته شد، بوده ولی امروزه در اروپا بسود زنان تغییر کرده است در حالیکه در سایر نقاط نزدیک به توازن قبلی و تا حدی بزبان زنان باقی مانده است. یعنی در این جوامع میزان مرگ و میر دختران خردسال بدون شک بالاتر از پسران همسن است.

در جدول شماره ۱ کل جمعیت منطقه خود مختار کوزوو و جمهوری بوسنی هرزگوین آورده شده است. بطوریکه ملاحظه می‌گردد تنها دو گروه از مسلمانان یعنی مسلمانان آلبانیایی تبار و مسلمانان اسلاو مورد اشاره قرار گرفته‌اند و در مورد سایر مسلمانان از جمله مسلمانان صرب و ترک و غیره مطلبی ذکر نشده است مسلماً اگر تحقیق مشابهی در مورد آنها نیز انجام گیرد مشخص می‌شود که بین مسلمانان ترک و مسلمانان صرب و جامعه مسلمان و غیر مسلمان یوگسلاوی تفاوت بارزی وجود دارد. در هر حال از جمع جمعیت ۱۵۸۴ هزار نفری کوزوو بالغ بر ۱۲۸۶ هزار (تنها از دو تیره اسلاو آلبانیایی) مسلمان بوده و جمع آلبانیایی‌ها در کل یوگسلاوی به ۱۷۳۱ هزار نفر و جمع اسلاوهای مسلمان به ۲ میلیون نفر بالغ گردیده است.

از جمعیت ۴۱۲۴ هزار نفری بوسنی هرزگوین ۱۶۳۰ هزار نفر مسلمان اسلاو بوده‌اند و ۲۰۸۳ هزار نفر باقیمانده از سایر مسلمانان و غیرمسلمانان تشکیل گردیده است و در مجموع از جمعیت ۲۲/۴ میلیون نفری یوگسلاوی بیش از ۵/۶ میلیون نفر مسلمان بوده‌اند که در اینجا فقط به وضعیت ۳/۷ میلیون نفر آنها اشاره شده است. و در مورد ۴۰ هزار تاجیک (فارسی زبان) و ۱۰۱ هزار ترک مسلمان هم صحبتی به میان نیامده است.

یادآور می‌شود که در یوگسلاوی سابق تفاوت مرگ و میر زنان مسلمان و غیر مسلمان بگونه دیگری تعبیر می‌شده است و عده‌ای از متخصصین آن جامعه در بیان این تفاوتها عامل دینی را دخالت داده و سعی داشتند که تأثیر اخلاق اسلامی در رفتارهای خانوادگی را علت اصلی تفاوت بین مرگ و میر زنان مسلمان و غیرمسلمان معرفی کنند. در جای دیگر هم شاهد بودیم که سعی می‌شد بالا بودن میزان باروری زنان مسلمان را ناشی از اعتقادات دینی آنها دانسته و بجای چاره‌جویی و رفع مظالم زن و مرد مسلمان، توجیهی برای تبعیضات اجتماعی پیدا کنند. این مسئله و مسائل مشابه در چندین سمینار و در بسیاری از گزارشات تحقیقاتی منعکس شده است که بعنوان مثال می‌توان به تحقیقات انجام شده در مورد لبنان، مصر، مالزی... و کشورهای مشابه و تفاوتهای موجود و مشاهده شده در رفتارهای باروری و مرگ و میر زن و مرد مسلمان و غیرمسلمان در این گزارشات اشاره کرد. بحث مشابهی در مورد ازدواج و تفاوت الگوی ازدواج زنان و مردان مسلمان و غیرمسلمان در سمینار قاهره

مطرح شد که با دخالت دانشمندان عرب در مورد برقراری زودتر رابطه جنسی در بین غیر مسلمانان و میانگین واقعی سن ازدواج در بین آنان تبیین مسایل، موضوع مسکوت ماند. و اشاره به تفاوت قابل ملاحظه شرایط اقتصادی - اجتماعی بین دو گروه در آن سمینار هم تحت عامل دین را علت العلل پایین بودن سن ازدواج در بین زن و مرد مسلمان معرفی کردند ولی بیانات محققین عرب شرکت کننده مؤثر افتاد. یوسف کورباژ از دانشمندان یوگسلاوی که شاهد تفاوتها و تبعیضها در یوگسلاوی سابق بوده مانند اسلاف خود بجای توجه به عامل تبعیض با طرح فرضیه جدیدی سعی نموده است که این تبعیضهای ناروا را ناشی از مسائل فرهنگی معرفی نماید. نشریه Populatzn می نویسد:

" آیا بجای جستجوی تأثیر احکام و قوانین اسلام در رفتارهای خانوادگی مسلمانان نباید اثرات فرهنگ مدیترانه‌ای یا تأثیر محسوس قومیت در میان بعضی از ملل جدا شده از اروپای جنوبی را جستجو کنیم "

این نویسنده سعی کرده است آلبانیاییها و آلبانی نباران را عامل فرهنگ سختگیری به زنان خانواده معرفی کرده و این تبعیض و تفاوت را ناشی از فرهنگ مدیترانه‌ای بشناساند. و می نویسد:

" آلبانیاییهای یوگسلاوی را می توان بر مبنای آمارهای انسانی از سایر ملیتهای یوگسلاوی تشخیص داد. بالاتر بودن میزان باروری آنان و مرگ و میر بیشتر زنان در بین آنها وسیله شناخت آنان است و میزان مرگ و میر دختران هنوز هم زیاد ولی مرگ و میرهای ناشی از زایمان بسیار تقلیل یافته است. بالا بودن میزان مرگ و میر زنان بدون شک ناشی از عدم دستیابی زنان به حقوق و موقعیت مناسب خود می باشد. این برخورد طبقاتی با زن آلبانیایی را (حقیر و پست شمردن او و نتایج تأسف بار آن را که در میزان مرگ و میر زنان منعکس شده) می توان با نگرش اسلام به زن مرتبط دانست. اما زنان آلبانیایی تنها زنان مسلمان در یوگسلاوی نیستند بلکه مسلمانان اسلاوی الاصل نیز هستند که تعدادشان نیز بیشتر است و همزمان با آنان مسلمان شده اند. میزان مرگ و میر گروه اخیر زیاد نیست و در همان حدود میزان مرگ و میر صربها و کروواتهای غیر مسلمان قرار دارد. اما میزان باروری و سطح توسعه آنها در حد آلبانیاییهاست.

آلبانیاییها دارای فرهنگ مدیترانه‌ای هستند، منطقه‌ای که صرف نظر از تعلقات مذهبی (مسیحی یا مسلمان) همواره زنان را با دیده تحقیر نگریده است " این گروه توسط تبلون آلبانی به این منطقه کوچانده شده اند " برکناری زنان از فعالیتهای اجتماعی موجب بالا بودن میزان مرگ و میر آنان است که تاریخ البانی و کوزوو این امر را نشان می دهد. یوسف کورباژ می نویسد:

آلبانیاییها قبل از سایر قومیتهای یوگسلاوی توسط ترکها به اسلام روی آوردند و از آنجاییکه از جهت فرهنگ ریشه در تاریخ این سرزمین دارند بیش از سایر اقوام این مرز و بوم احساس قدرت کرده اند لیکن پس از رهایی از سلطه، عثمانیها توانستند از تحولات قرن بیستم همپای ملیتهای ساکن در مناطق مرکزی اروپا در کسب موقعیت اجتماعی زنان بهره گیرند و موفقیتی بدست آورند و گذشته از آن شکل گیری جمهوری آلبانی در سال ۱۹۱۲ بین آلبانیاییها جدایی افکند و با برقراری رژیم سوسیالیستی در یوگسلاوی مردان با تکیه بر سنتهای دیرین به انزوای زنان از فعالیت اجتماعی همچنان ادامه دادند که این خود موجبات تشدید میزان مرگ و میر زنان شد، گرچه تأثیر این رفتار در خصوص مرگ و میر زنان امروزه در کنترل قرار گرفته است اما در مورد دختران این روند هنوز هم

ادامه دارد.

بطوریکه ملاحظه می‌شود این محقق یوگسلاوی که شاهد تبعیض بین زنان صرب و سایرین بوده است به جای آنکه به اصل موضوع توجه کند پیشنهاد می‌نماید که قومیت را مسئول بدبختی آلبانیاییها بدانیم در حالیکه اعتراف می‌کنند " با آلبانیاییها در رژیم سوسیالیستی مانند یک اقلیت مورد تهدید رفتار شده است.

وی در جای دیگر می‌نویسد " اسلام در عین حالیکه شریعت و فرهنگ است غالباً به عنوان یک مذهب تبعیض نسبت به زنان منظور می‌شود " تبعیضی که می‌تواند موجب بالا بردن میزان مرگ و میر زنان در مقایسه با مردان باشد چون در کشورهای اسلامی فقط معدودی از شاخصها تهیه می‌گردند بدلیل فقدان اطلاعات کامل (در کشورهای اسلامی) می‌توان از آمارهای یوگسلاوی استفاده نمود. یوگسلاوی با داشتن سری کامل و دقیق آماری برای یک دوره طولانی، از نظر مطالعه مرگ و میر زنان مسلمان یک محیط ایده‌آل است و از آن گذشته در این کشور دو گروه بزرگ مسلمان زندگی می‌کنند که این دو گروه عبارتند از آلبانیاییهای مسلمان و مسلمانان اسلاو که شامل صربها و کرواتها، و مقدونیه که نه سرشماری و نه ثبت شده‌اند (حدود ۳۰۰۰۰۰ نفر) می‌باشد. علاوه بر دو گروه یاد شده جامعه مسلمانان یوگسلاوی شامل قومتهایی دیگر چون ترکها (۱۰۱۰۰۰ نفر در ۱۹۸۱) و بخشی از تاجیکها (تریکانها که حدود ۴۰۰۰۰ نفرند) می‌گردد. منطقه خود مختار کوزوو شامل یک اقلیت مهم (۲۳ درصدی) غیر البانیایی یعنی صربها نیز می‌باشد.

غیرمسلمان در نظر گرفته است که بیش از سه چهارم جمعیت کشور یوگسلاوی سابق این محقق جمعیت شاهد را صربها و کرواتها را تشکیل می‌داده‌اند. وی در این روش تحقیق از شاخص ساده زیر:

$$I = \frac{Df/Dm}{Pm/Pf} \times \frac{Pm}{Pf}$$

استفاده نموده است که در آن df و dm به ترتیب مرگ و میر زنان و مردان در یک سن و مقطع زمانی معین در یک جامعه و pm/pf نسبت تعداد مردان به زنان در همان جامعه است و ماخذ آمار مرگ را ثبت احوال و ماخذ جمعیت را سرشماری اعلام کرده است و اضافه می‌نماید که تفاوت مرگ و میر زنان و مردان البانیاییها را (در سنین ۱۵ تا ۴۵ سالگی) می‌توان از ثبت رویدادهای حیاتی بدست آورد و مرگ و میر کروواتهای مسلمان بیشتر از صربها و کروواتهای غیرمسلمان می‌باشد (حدود ۱۰ درصد بیشتر) و نهایتاً اذعان می‌کند که " ویژگیهای اقتصادی اجتماعی آلبانیاییهای کوزوو برای بیان وضعیت آلبانیاییها کافیست ولی در مورد بوسنیاییهای مسلمان ناقص‌تر است. در هر حال توسعه اقتصادی مسلمانان صرب و آلبانیاییها در ۱۹۵۶ نزدیک بهم بوده است. " سپس این محقق سعی کرده است تا مشکل افزونی مرگ و میر زنان و کودکان را ناشی از منشاء قومی دانسته و منشاء مدیترانه‌ای آلبانیاییها را عامل اصلی آن معرفی نماید تا جاییکه می‌نویسد فارغ از تعلقات مذهبی (اعم از مسلمان و مسیحی) فرهنگ مدیترانه‌ای عامل مرگ و میر زنان و دختران در جامعه غیر صرب یوگسلاوی است زیرا که در این فرهنگ همواره حقوق زنان نادیده گرفته شده و

شخصیت آنان نیز تحقیر شده است. وی با مراجعه به نتایج آماری، از اینکه میزان مرگ و میر کودکان و زنان مسلمان آلبانیایی تبار همواره بالاتر از سایرین بوده ابراز شگفتی می‌نماید. ولی همین محقق یوگسلاو در مورد وضعیت مشابه در جامعه کوزوو، وضعیت اقتصادی را بطور غیرمستقیم عامل بالا بودن میزان مرگ و میر زنان می‌داند. (رجوع شود به جدول و نمودارهای پیوست)

با توجه به استنتاجات فوق سهولت می‌توان دریافت که قبل از دوره سوسیالیستها تبعیض در یوگسلاوی موجود بوده، ولی شرایط اقتصادی - اجتماعی گروههای مختلف جمعیتی نسبتاً یکسان بوده است ولی طی دوره حکومت سوسیالیستها این تبعیض هم تداوم یافته و هم تشدید شده است، بنحویکه به تصدیق این نویسنده، که صراحت لهجه بیشتری داشته است، دختران مسلمان کوزوو و سایر آلبانیاییهای یوگسلاوی بیش از دختران کشورهای جهان سوم گرفتار مرگ و میر بوده‌اند آنها از سوء تغذیه نیز رنج می‌برده‌اند و مرگ و میرهای ناشی از زایمان (که لابد دچار عدم مراقبتهای بهداشتی و درمانی و مسایل سوء تغذیه بوده‌اند) به ارقام قابل ملاحظه‌ای بالغ شده است (۲۴۵ در هر صد هزار برای زایمانها ۱۰۸۹ در هر صد هزار برای عوارض قبل و بعد از زایمان) و بالاخره هم به این نتیجه می‌رسد که "مرگ و میر زنان آلبانیایی بقدری بالاست که آنها خود را یک ملت تهدید شده احساس می‌کنند."

بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که نویسندگان و محققان یوگسلاوی سابق که شعارهای عدالت و حریت و مساوات را بارها شنیده و تکرار کرده‌اند، در توجیه تفاوتها و تبعیضهای منطقه‌ای و قومی بین مردم جماهیرمتحده یوگسلاوی نخست دین را مسئول شناخته‌اند، چون موضوع قابل توجیه نبوده به سراغ قومیت رفته‌اند و بالاخره مقصر اصلی را شناخته و معرفی کرده‌اند و اگر چه طی سه دهه حکومت سوسیالیستها (که قطعاً اکثر اهرمهای قدرت در اختیار صربها بوده) شاهد تبعیض بین صربها و سایر قومیتهای ساکن یوگسلاوی بوده و ابعاد آنرا نیز درک می‌کرده‌اند، لیکن قدرت ابراز آنرا نداشته‌اند و ناگزیر در توجیه این تبعیضها بسراغ عوامل دیگر رفته‌اند و شاید هم تصور امروز برای آنان امری محال می‌نمود.

با مراجعه به نمودارهای شماره ۲ و ۳ و ۴ می‌توان روند تحولات زمانی کاهش مرگ و میر آلبانیاییها و اسلاوهای مسلمان و صربها را ملاحظه نمود. بنحویکه در جدول شماره ۲ نشان داده شده است شاخص نسبت جنسی گروههای سنی جمعیت آلبانیاییها حاکی از تفاوت مرگ و میر بین زن و مرد در ادوار مختلف است. در بین مسلمانان اسلاو مرگ و میر بیشتر مردان در گروه سنی ۴۹ - ۲۰ ساله جلب توجه می‌کند که جای تأمل بسیار است، این تفاوت بارز از دید جمعیت شناسان یوگسلاوی چگونه تفسیر شده است، در واقع دو جامعه مسلمان اسلاو و آلبانیایی دو چهره متضاد را نشان می‌دهند که نباید بسادگی از آن گذشت.

در سال ۱۹۶۱ شاخص نسبت جنسی در بین اسلاوها به ۱۱۵/۱ درصد بالغ گردیده است، بعضی در قبال هر یکصد زن آلبانیایی یکصد و پانزده مرد ۲۰ تا ۴۹ ساله وجود داشته است. (جدول شماره ۲)

نتایجی که این محقق بدانها اشاره کرده است به ترتیب زیر است:

۱ - مرگ و میر صربها و کروواتهای مسلمان و غیرمسلمان بهم نزدیک است.

۲ - زنان و دختران آلبانیایی الاصل بیشتر از مردان می‌میرند.

۳ - امید زندگی در یوگسلاوی سرعت افزایش یافته و برای مردان بترتیب از ۵۲/۹ در دوره ۵۸ - ۱۹۵۶ به ۶۷/۴ در ۱۹۸۷ رسیده است و این شاخص برای زنان از ۴۹/۱ به ۷۰/۱ افزایش یافته است و نرخ مرگ و میر کودکان از ۱۵۰ در هزار که از بسیاری از کشورهای اروپایی بالاتر بوده به ۶۰ در هزار کاهش یافته است.

۴ - بالا بودن مرگ و میر کودکان بویژه دختر بچه‌ها و تداوم آن طی تمام این مدت شگفت‌انگیز است.

۵ - مرگ و میر زنان در کوزوو که اکثریت آنها آلبانیایی هستند همیشه کمتر از آلبانیایی‌های ساکن در سایر نقاط یوگسلاوی بوده است.

۶ - مرگ میر مسلمانان آلبانیایی الاصل و مسلمانان اسلاو متفاوت بوده است بنحویکه امید زندگی زنان مسلمان گروه اول ۵۲/۸ سال در مقایسه با ۵۹/۴ سال برای مسلمانان اسلاو است. (به این تفاوت عمیق توجه شود)

۷ - در آغاز حکومت سوسیالیستها (۱۹۵۶) میزان مرگ و میر کودکان مسلمان اسلاو کمتر از آلبانیایی‌ها و بیشتر از صربها و کروواتهای غیر مسلمان بوده است (حدود ۱۰۰ در هزار) و ۳۰ سال بعد یعنی ۱۹۸۷ مرگ و میر آلبانیاییها ۵۸/۷ در هزار بوده در حالیکه مرگ و میر مسلمانان اسلاو به رقم ۲۷/۱۶ در هزار کاهش یافته است ولی باز هم میزان مرگ و میر مسلمانان اسلاو از غیرمسلمانان اسلاو و مرگ و میر سایر غیرمسلمانان از غیرمسلمانان صرب و کرووات بالاتر بوده است (حدود ۱۰ درصد)

۸ - قبل از سال ۱۹۵۶ وضعیت مرگ و میر زنان مسلمان آلبانیایی هم در خود آلبانی و هم در کوزوو بسود زنان و کمتر از مردان بوده است ولی پس از حکومت سوسیالیستها بزبان زنان تمام شده است.

۹ - فرهنگ مدیران‌های بدلیل ریشه‌دارتر بودن آن! نسبت به فرهنگ سایر قومینهای یوگسلاوی عامل فزونی مرگ و میر زنان و دختران است؛ زیرا در این فرهنگ همواره به زنان با دیده حقارت نگریسته می‌شود (لابد چون فرهنگ آنها ریشه‌دارتر بوده تبلیغات و شعارهای کمونیستها در مورد بی‌بندباری زنان تأثیر کافی نداشته است نتوانسته آنچنان که باید و شاید اختلافات را به داخل خانواده کشانده و زمینه مساعدتر تسلط اپدئولوژی را فراهم نماید.)

۱۰ - ویژگیهای اقتصادی - اجتماعی کوزوو برای بیان وضعیت آنان (تفاوت مرگ و میرشان با سایرین) کافی است ولی در مورد بوسنیاهای مسلمان (لابد بدلیل نداشتن آمار) نمی‌توان به وضوح قضاوت کرد. همینقدر می‌توان گفت که وضعیت مسلمانان صرب و آلبانیاییهای یوگسلاوی در سال ۱۹۵۶ بهم نزدیک بوده است.

بانوجه به مطالب فوق روشن می‌گردد که هر چند قبل از آغاز حکومت سوسیالیستها هم تأثیر تبعیض در یوگسلاوی آشکار بوده است ولیکن شرایط اقتصادی اجتماعی قومینها بهم نزدیک و در بین آلبانیاییهای مسلمان مرگ و میر زنان کمتر از مردان بوده است. ولی بعد معلوم نیست که در اثر اقدامات مترقیانه! چرا به زبان زنان تعبیر کرده است: تا دیروز اسلام مقصر اصلی بوده ولی حالا

کشف شده است که قومیت عامل اصلی تفاوت مرگ و میر است. علت این که چرا مردم کوزوو وضعیت اقتصادی - اجتماعی خوبی ندارند مسکوت مانده است، هر چه که هست وضعیت آنها خوب نیست و در مورد بوسنی هرز گوین هم لابد بدلیل در اختیار نداشتن آمارهای مورد نظر نمی‌توان مسئله را بدرستی مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. اما اینکه چرا آلبانیاییها خود را در جماهیرمتحده سوسیالیستی یوگسلاوی سابق برهه آنها در دهه پایان قرن بیستم در تهدید می‌بینند، مسکوت مانده است فقط می‌دانیم که وضعیت اقتصادی اجتماعی منزلی دارند و قومیت آنها نیز مدیترانه‌ایست و خود آنها هم مسلمان هستند تا دیروز آنها گروه حاکمه را تشکیل می‌دادند ولی امروزه چه وضعی دارند؟ این سؤال هم از رده سؤالاتی است که در تحقیقات کورباژ پاسخی به آن داده نشده است.

دختران مسلمان کوزوو و سایر آلبانیاییهای یوگسلاوی حتی بیش از دختران کشورهای جهان سوم در خطر مرگ و میر هستند آلبانیاییها (و لابد سایر مسلمانان) را می‌توان از غیر مسلمانان و صربها حتی از طریق آمارهای انسانیشان تشخیص داد. (نیاز به بررسی و دقت بیشتر ندارد و مساله کاملاً بارز است)

باتوجه به مطالب فوق ملاحظه می‌شود که اتحاد ناشی از اعمال قدرت نظامی عملاً بسود یک قومیت (صربها) تمام شده و ناگزیر توان حل مشکلات اجتماعی و دفع تبعیض را نداشته است و در نتیجه همچنانکه شاهد آن هستیم با توسل به قدرت نظامی نیز متلاشی گردید که یک نتیجه قابل پیش‌بینی بوده است.

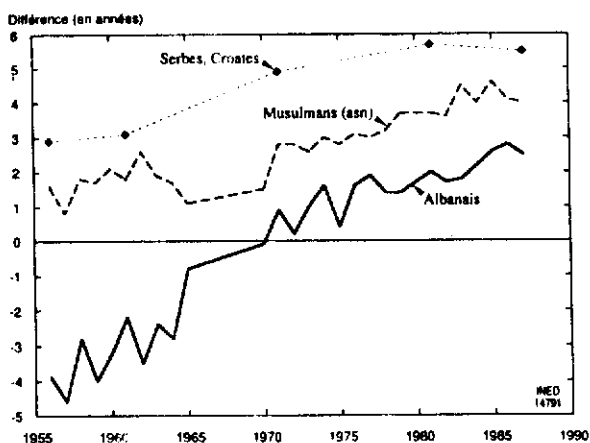
جدول شماره ۱ - ترکیب جمعیت یوگسلاوی و براساس سرشماری سال ۱۹۸۱ (ارقام به هزار نفر)

جمع	سایر جمهوریها	جمهوری بوسنی - هرزگوین	یا ایالت خودمختار کوزوو	ملیت
۱۷۳۱	۵۰۰	۴	۱۲۲۷	آلبانیاییها
۲۰۰۰	۳۱۱	۱۶۳۰	۵۹	مسلمانان اسلاو
۱۸۶۹۴	۱۵۹۰۶	۳۲۴۹۰	۲۹۸	سایر ملیتها
۱۲۵۶۹	۱۰۲۷۲	۲۰۷۹	۲۱۸	(صرب و کرووات)
۲۲۴۲۵	۱۶۷۱۷	۴۱۲۴	۱۵۸۴	جمع

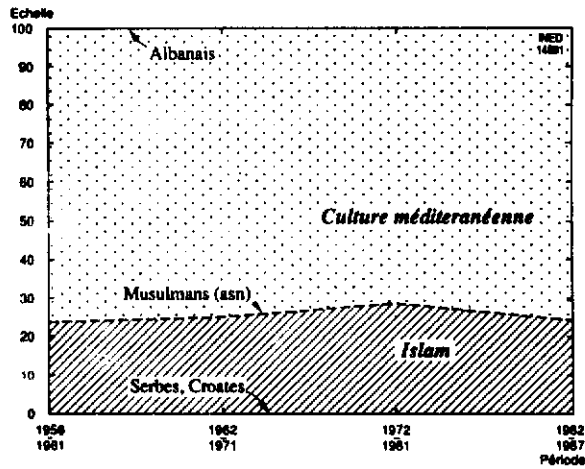
جدول شماره ۲ نسبت جنسی آلبانیاییها و اسلاوهای مسلمان در مقاطع زمانی و گروههای سنی

گروه سنی سال	۱۹۵۳	۱۹۶۱	۱۹۷۱	۱۹۸۱
آلبانیاییها				
۰	۱۰۷/۲	۱۱۰	۱۰۸/۵	۱۰۸/۳
۱-۴	۱۰۷/۱	۱۱۰	۱۰۸/۵	۱۰۷/۵
۲۰-۴۹	۱۱۱/۸	۱۱۵/۱	۱۱۱/۴	۱۰۷/۰
مسلمانان اسلاو				
۰	۱۰۰/۱	۱۰۳/۸	۱۰۴/۸	نامعین
۱-۴	۱۰۵/۵	۱۰۳/۸	۱۰۴/۸	نامعین
۲۰-۴۹	۸۲/۱	۸۹/۱	۹۷/۶	نامعین

نمودار شماره ۱ تفاوت امید زندگی مردان و زنان در سالهای ۸۷-۱۹۵۶



نمودار شماره ۲ - شاخص تفاوتها در سالهای ۱۹۵۶ - ۱۹۸۷

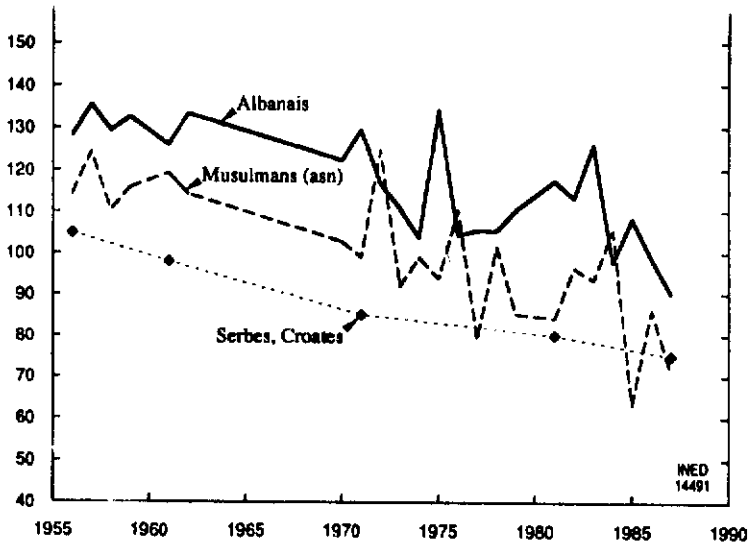


جدول شماره ۲/۱ شاخص تفاوتها در سالهای ۱۹۵۶ — ۱۹۸۷

	1956-61	1962-71	1972-81	1982-87	Ensemble
Serbes Croates	91	81	71	67	77
Musulmans(asn)	100	91	79	73	85
Albanais	129	121	99	92	110

نمودار شماره ۳ ( الف )

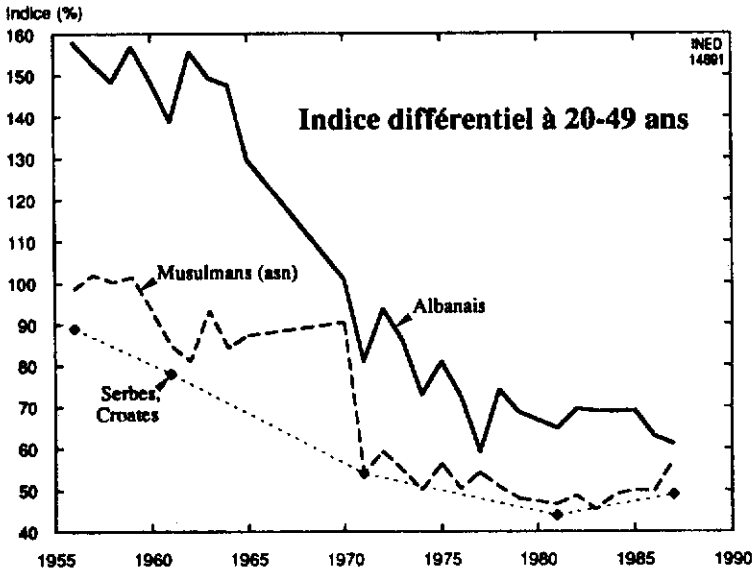
۱ - شاخص تفاوت مرگد و مسير کودکان - جوانان مسلمان  
( آلبانیایی ها ، یوگسلاو ، صرب و کروآتها )



نمودار شماره ۳ ( ب )

۲- شاخص تفاوت مرگ و میر کودکان ( خردسالان ) مسلمان

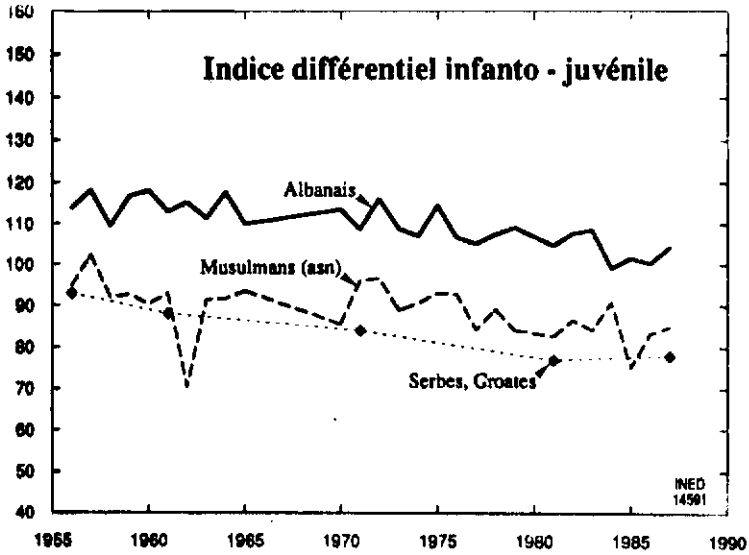
( آلبانیاییها ، اسلاو ، صربها و کروآتها )



نمودار شماره ۳ ( ج )

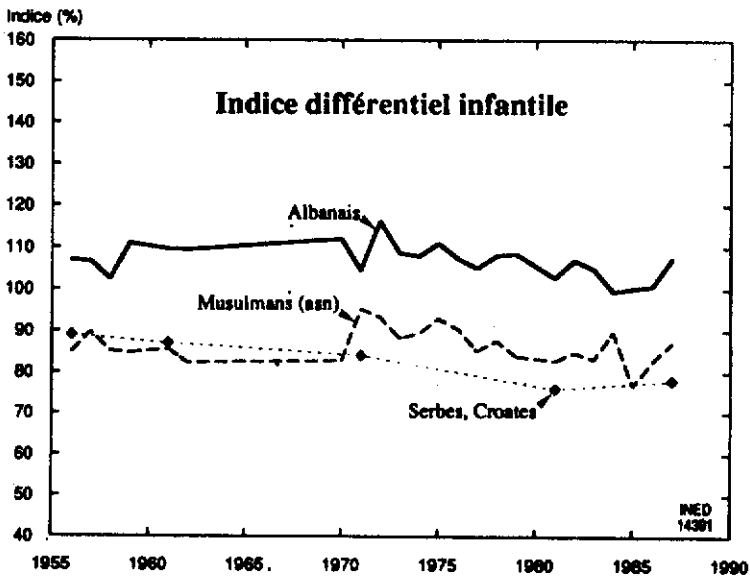
۳ - شاخص تفاوت مرگ و میر جوانان مسلمان

( آلبانیاییها ، یوگسلاوها ، صربها و کروآتها )



نمودار شماره ۳ ( د )

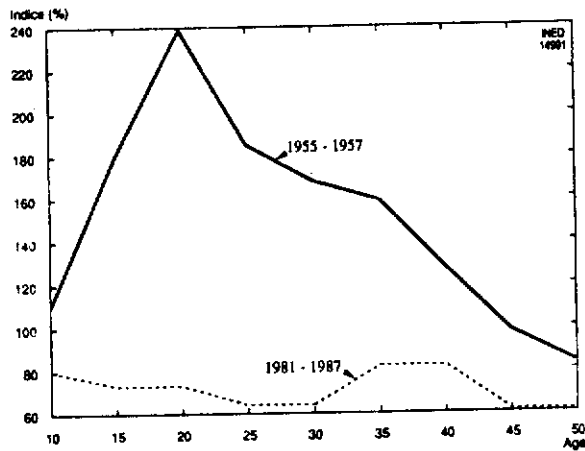
۴- شاخص تفاوت مرگد و میر در گروه سنی ۲۰ - ۴۹ ساله



## اضافه مرگ و میر زنان در یوکسلاوی

نمودار ۴- شاخص تفاوت مرگ و میر زنان نسبت به مردان در سنین باروری در کوزو

سالهای ۵۷ - ۱۹۵۵ و ۱۹۸۷ - ۱۹۸۱



جدول شماره ۳ طبقه بندی فوت بر اساس گروه‌های سنی و بر حسب جنس

Année	Classement
1956-1957	Années d'âges jusqu'à 9 ans, quinquennaux jusqu'à 85 ans
1958-1959	0, 1-4, 10-14, 15-24, 25-44, 45-54, 55-64, 65-74, 75-84, 85 +
1960	0-4, 5-9, 10-14, 15-19, 20-34, 35-49, 50-54, 55-59, 60-64, 65 +
1961-1962	0, 1-4, 5-9, 10-14, 15-24, 25-44, 45-54, 55-64, 65-74, 75-84, 85 +
1963-1965	0-4, 5-9, 10-14, 15-19, 20-34, 35-49, 50-54, 55-59, 60-64, 65 +
1970-1987	0, 1-4, 5-9, 10-19, 20-34, 35-49, 50-54, 55-59, 60-64, 65 +

جدول شماره ۴ - نسبت های جنسی ( درصد )

بر حسب گروه های سنی بین مسلمانان آلبانیائی و یوگسلاوی و مسلمانان

در سالهای ۸۱ - ۱۹۵۳

Année/Age	1953	1961	1971	1981*
Albanais				
0	107,2			108,3
1-4	107,1	110,7	108,5	107,5
20-49	111,8	115,1	111,4	107,0
Musulmans(asn)				
0	100,1			
1-4	105,5	103,8	104,8	nd
20-49	82,1	89,1	97,6	nd

\* Kosovo

جدول شماره ۵ - شاخص تفاوت در کوزو سالهای ۱۹۷۰ - ۱۹۶۵

Année	1965	1966	1967	1968	1969	1970
Infantile	108	108	108	108	108	108
Juvenile	109	109	109	108	108	108
15-44 ans	143	114	121	96	92	98

جدول شماره ۶

شاخص      زن      مرد      سن

Age	Masculin	Féminin	Indice
0	146,5	157,4	107
1	60,6	77,9	129
2	26,9	38,0	141
3	13,3	19,0	143
4	8,1	11,0	135
5	5,5	6,4	117
6	3,5	5,1	147
7	3,1	4,4	141
8	1,8	3,2	177
9	1,2	2,0	171
10-14	10,5	12,3	117

غیر آلبانیایی های کوزو ، آلبانیاییهای خارج از کوزو در سالهای ۱۹۶۱ و ۱۹۷۱

۱۹۶۱			۱۹۷۱
گروه	جنس	شاخص	شاخص
کوزو	مرد		
	زن		
آلبانیایی یوگسلاوی	مرد		
	زن		
آلبانیایی کوزو	مرد		
	زن		
غیر آلبانیایی کوزو	مرد		
	زن		
آلبانیایی خارج از کوزو	مرد		
	زن		

جدول شماره ۷

Catégorie	Sexe	1961		1971	
		TBM	Indice	TBM	Indice
Kosovo	H	11,6	110	8,5	94
	F	12,8		8,0	
Albanais de Yougoslavie	H	13,0	118	9,1	100
	F	15,3		9,1	
Albanais du Kosovo	H	13,2	115	8,8	98
	F	15,2		8,6	
non Albanais du Kosovo	H	8,2	100	7,7	86
	F	8,2		6,7	
Albanais hors du Kosovo	H	12,5	124	9,7	104
	F	15,5		10,1	

نرخ مرگ و میر ( در هزار )

Années	Espérance de vie		Quotient de mortalité p. 1000							
	H	F	Infantile		Juvénile		Infanto juvénile		A 20-49 ans	
			H	F	H	F	H	F	H	F
1956	52.3	48.4	142.3	152.1	91.1	117.8	221.5	252.0	127.4	201.3
1957	49.6	45.0	152.5	162.6	128.7	174.3	261.5	308.6	126.2	192.9
1958	56.7	53.9	138.0	141.2	59.4	76.8	189.2	207.1	107.1	158.9
1959	55.7	51.7	135.6	150.4	66.5	88.1	193.1	225.3	109.3	171.5
1960	55.1	51.9	nd	nd	nd	nd	205.2	242.5	96.5	143.2
1961	58.5	56.3	129.1	141.4	47.2	59.4	170.3	192.3	100.6	139.6
1962	53.7	50.2	153.4	167.8	65.5	87.3	208.9	240.5	107.6	167.4
1963		58.5	nd	nd	nd	nd	177.4	197.4	91.3	136.3
1964		58.0	nd	nd	nd	nd	190.4	224.0	80.0	118.0
1965	59.7	58.9	nd	nd	nd	nd	168.2	185.0	77.6	100.5
...										
1970	63.6	63.5	100.2	112.1	24.8	30.0	122.5	139.0	69.5	70.1
1971	64.1	65.0	98.7	103.1	22.9	29.6	119.4	129.7	70.0	56.7
1972	65.3	65.5	85.9	n99.7	17.8	20.8	102.1	118.5	66.9	62.6
1973	65.3	66.3	87.0	94.5	18.6	20.6	103.9	113.1	68.5	58.9
1974	65.0	66.6	87.9	94.8	19.3	20.0	105.5	112.9	71.7	52.2
1975	65.9	66.3	85.7	95.1	18.5	24.8	102.6	117.5	66.9	54.0
1976	65.8	67.4	82.5	89.6	16.4	17.1	98.6	105.2	71.1	51.6
1977	66.2	68.1	81.6	95.9	16.8	17.7	97.1	102.1	68.2	40.3
1978	67.2	68.6	73.8	79.6	15.2	16.0	87.9	94.4	63.0	46.6
1979	67.6	69.0	71.8	77.9	12.0	13.6	82.9	90.5	63.7	43.7
...										
1981	68.0	70.0	64.8	68.6	10.4	12.2	76.5	80.0	59.0	38.2
1982	67.7	69.3	70.1	74.9	9.8	11.1	79.2	85.2	58.8	40.8
1983	67.1	68.9	70.7	74.1	15.9	20.0	85.4	92.6	55.9	38.5
1984	67.6	69.8	60.8	60.4	17.4	17.0	77.1	76.4	57.0	39.2
1985	66.9	69.5	62.8	63.0	13.3	14.4	75.3	76.5	60.6	41.8
1986	67.5	70.3	59.1	59.5	14.1	13.9	72.4	72.6	56.0	35.2
1987	67.9	70.4	56.7	60.8	12.2	11.0	68.2	71.1	53.6	32.7

Nota : nd = non disponible

اضافه مرگ و میر زنان در یوگسلاوی

جدول شماره ۸ - نسبت فوت‌های ناشی از سرخك ، شاخص تفاوت در کوزوو  
سالهای ۱۹۶۰ - ۱۹۷۸

Année	A 0 an		A 1-4 ans	
	Proportion (%)	Indice (%)	Proportion (%)	Indice (%)
1960	10,0	128	30,1	120
1961	1,9	171	8,1	141
1962	3,4	125	18,5	133
1963	1,4	79	12,4	110
1964	2,0	130	25,4	139
1965	0,5	108	7,1	104
1966	1,0	81	9,4	85
1967	1,1	78	8,7	102
1968	2,9	97	19,4	120
1979	1,1	162	8,4	141
1970	0,4	120	5,5	134
1971	0,9	126	6,5	132
1972	0,2	81	1,3	217
1973	1,1	94	4,9	93
1974	0,4	260	1,0	65
1975	1,2	137	3,6	239
1976	1,0	69	4,4	142
1977	2,6	158	6,8	133
1978	3,4	131	13,0	84
Ensemble	2,0	122	13,1	123

## شاخص تفاوتها

Année	Indices différentiels			
	Infantile	Juvenile	Infanto-juvenile	A 20-49 ans
1956	107	128	114	158
1957	107	135	118	153
1958	102	129	109	148
1959	111	132	117	157
1960	nd	nd	118	148
1961	110	126	113	139
1962	109	133	115	156
1963	nd	nd	111	149
1964	nd	nd	118	148
1965	nd	nd	110	130
...				
1970	112	122	113	101
1971	104	129	109	81
1972	116	117	116	94
1973	109	111	109	86
1974	108	104	107	73
1975	111	134	115	81
1976	107	104	107	73
1977	105	105	105	59
1978	108	105	107	74
1979	108	113	109	69
...				
1981	103	117	105	65
1982	107	113	108	69
1983	105	126	108	69
1984	99	98	99	69
1985	100	108	102	69
1986	101	99	100	63
1987	107	90	104	61

	۱۹۵۶	۱۹۶۱	۱۹۷۱	۱۹۸۱	۱۹۸۷
مرد					
امید زندگی					
زن					
( درهزار) نرخ مرگ ومیر					
( پسر ، دختر) کودکان					
( پسر ، دختر) جوانان					
( پسر ، دختر ) جوانان - کودکان					
( مرد ، زن ) ۲۰ - ۴۹ ساله					
( درصد ) شاخص تفاوتها					
کودکان					
جوانان					
جوانان - کودکان					
۲۰ - ۴۹ ساله					

جدول شماره ۱۰

		1956	1961	1971	1981	1987
Espérance de vie	H	62,4	64,6	66,9	68,4	69,2
	F	65,3	67,7	71,8	74,1	74,7
Quotient de mortalité (p. 1 000)						
Infantile Juvénile	H	92,4	75,5	39,2	22,4	15,8
	F	82,2	65,4	33,0	17,1	12,4
Juvénile	H	27,0	12,2	5,7	3,1	2,6
	F	28,4	12,0	4,8	2,5	1,9
Infanto-Juvénile	H	126,3	88,0	45,2	25,6	18,3
	F	117,4	77,7	38,1	19,7	14,3
A 20-49 ans	H	88,4	76,5	88,8	91,1	81,3
	F	78,4	59,4	47,8	42,7	39,4
Indices différentiels (p. 100)						
Infantile		89	87	84	76	78
Juvénile		105	98	85	80	75
Infanto-juvénile		93	88	84	77	78
A 20-49 ans		89	78	54	44	49